

پنجم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ یکی از رخداد‌های معروف تاریخ معاصر ایران رقم خورد. ابرقدرت غربی به حریف ایران اجازه مکرر و نامتدبیر برای چپ‌چیز چرخ شکست دناک دیده‌ای ایران تجاوز عملیات طیس (عملیات نجف‌آباد)، نیروی دلتای نیروی زمینی ایالات متحد با شش هواپیما و هشت بالگرد در آسمان ایران به پرواز درآمد. آمده بودند تا گروگان‌های خود را که در پی تسخیر و سرقتشان باقی‌مانده بود، آزاد کنند. اما سرانجام به مشکلات بزرگی بودند. آزادسانده. اما یک‌پایه‌ها در آسمان طیس با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند. یک بالگرد و یک هواپیما به هم کوفته و شعله‌ور شدند و آنگاه بالای طبیعی توان‌شن‌شن باقی مهاجمان را به‌درسر انداخت. این شکست تاریخی دستمایه تولید و خلق آثار پژوهشی و هنری گردان‌گشت تاریخی از این آثار، تولید و آفرینه‌های ادبی بود که دهنه‌های آن را در ادامه معرفی خواهیم کرد.

- «مأمور خدا»، یک رمان سیاسی
- «مأمور خدا»، نوشته پروین نخعی مقدم اثری داستانی است که به شکست عملیات طبس می‌پردازد. نویسنده ماجرای نظامی‌رانی را روایت می‌کند که در کویر گرفتار می‌شوند. آن‌ها گروه‌های بزرگی در کار خود می‌یابند که یک سر آن هراس از ایرانی‌هاست و سر دیگرش طبیعت بی‌رحم! نخعی مقدم این داستان را بر پایه اسنادی چون خاطرات همیلتون جردن، رئیس ستاد کاخ سفید در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر و کتاب «هدف تهران» نوشته جولینو کیه‌زا، روزنامه‌نگار ایتالیایی، به نگارش درآورده است. کتاب یادشده پنجاه و هشتمین کتاب از مجموعه سیاسی «نیمه پنهان» است که شرکت انتشارات کیهان سال ۱۳۹۴ در ۲۵۰ صفحه به چاپ رسانده است.
- «هجوم» و داستان آن شهید
- حمید نوابی لویسانی درباره واقعه طبس داستانی نوشته که به یکی از شهیدان ادبی کرده است. او در رمان «هجوم» ضمن پرداختن به زندگی شهید محمد منتظر قائم، وارد ماجرای تسخیر سفارت آمریکا و عملیات طبس نیز می‌شود. شهید منتظر قائم، فرمانده سپاه یزد بود که در جریان مراقبت از تجهیزات نظامی باقی‌مانده از آمریکایی‌ها جان باخت. کتاب در ۲۷ فصل و از دید شخصیت‌های می‌شود. این گوناگون روایت اثر را نشر شاهد سال ۱۳۸۸ در ۲۲۵ صفحه منتشر کرده است.

دو شعر درباره واقعه عملیات طبس

طوفان شن

واقعۀ شکست متجاوزان نیروی دلتای آمریکا در عملیات طبس، بر شعر فارسی نیز اثر گذاشته است. در ادامه دو سروده از علی فردوسی، شاعر و ترانه‌سرا در این باره بخوانید:

طوفان به پا شد

دست خدا در کار بود آن شب، یاد از یسار، ابر از یمین آمد
طوفان به پا شد خاک وقتی با، دست خدا در آستین آمد
کرکس به دامان هوس افتاد، در چنگ طوفان طیس افتاد
روح خدا قرآن گشود و باز، «وَاٰلِیْہٖمُ السَّلَامُ» آمد

من زاده ایرانم

با تیر، نشد تیغ، نشد چوب، نشد سنگ
 با هرچه به دستم برسد آمده‌ام جنگ
 در دست تعدی است، وگر پای تجاوز
 دست کنم کوتاه، آن پای کنم لنگ
 من زاده ایرانم، آزاد و آزاد
 بیگانه پرستیدن ننگ است مرا ننگ
 ننگا به من این خانه شود لانه روبا
 پیر است و نکرده است به جز حبله و نیرنگ
 در دشمن این خاک شود درگ، شود شیر
 دندان بکند تیز، نشانم بدهد چنگ
 گر یک وچب از خاک مرا چشم بدوزد
 تاوان بدهد خاکش فرسنگ به فرسنگ
 من چشمه جوشانم و هرگز نزدايد
 شیرینی اوقات مرا شورش خرچنگ
 چون نی لیک چوپان، چون نغمه جاشو
 با باد هم آواز و با موج هماهنگ
 گریم صوری بکنم چند صیاحی
 غیرت شمشیری است حاشا بزند زنگ

زین قندپار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- 
ناویراسته ✖
 علی بابایی فرماندار شهرستان کرمان:
 عصر امروز بین گروهی از مسافران در منطقه گردشگری
 شهر ماهان نزاع رخ داده است که متأسفانه تعدادی
 مجروح و فوت شدند. بر اثر این درگیری یک خانم
 ۵۹ ساله فوت می شود و تعدادی نیز مجروح شدند.
- 
ویراسته ✔
 علی بابایی، فرماندار شهرستان کرمان:
 عصر امروز بین گروهی از مسافران در منطقه گردشگری
 شهر ماهان نزاع رخ داد که بر اثر این درگیری یک
 خانم ۵۹ ساله فوت شد و تعدادی نیز مجروح شدند.
- 
نگته ✖
 در این خبر جای از اشکال درزن نویسی، زمان فعل هائیز
 هماهنگ نیست.

شهرآر نیوز
SHAHRAARNEWS.IR
۳۰ شهریور ۱۳۹۴
۱۰

فرهنگ و ادبیات

گفت‌وگو با دکتر حمید طبسی، استاد دانشگاه درباره شاهنامه و اهمیت آن

شاهنامه از آن همه کسانی است که به ایران مهر می‌ورزند



تصویری از شاهنامه بایسنقری-پادشاهی کیکاووس و رفتن او به مازندران

گمانم، کمتر شاعری توانسته است به اندازه فردوسی
میان بسیاری از آداب و سنن فرهنگی ایران باستانی
با معتقدات و باورهای ایران عهد اسلامی سازگاری
و پیوند برقرار کند و بدین ترتیب، تصویر روشن تری
از هویت ما ترسیم کند؛ همان هویتی که می تواند
در این آشفته بازار جهان امروز، یکی از مهم ترین
پنجاهه های فرهنگی ما باشد.

- آیا آن طور که باید و درخور شأن شاهنامه و فردوسی است، این شاعر حماسه‌سرا و اثرش به مردم معرفی شده‌اند؟ رسانه‌ها به ویژه تلویزیون، نقش تأثیرگذاری در معرفی پسته و شایسته فردوسی و شاهنامه‌اش می‌توانند داشت. هرچند کارهای انجام شده، می‌شود، به نظر کافی نیست. انتظار می‌رود در کشوری که دوام و بقای زبان مادری و بسیاری از آداب و سنن ملی و مهنی خود را مدیون شاهنامه است، هر روز و هر شب در یکی از شبکه‌ها یا رادیویی و تلویزیونی برنامه‌ای به فردوسی و شاهنامه اختصاص داشته باشد. متولیان امور فرهنگی شهرهای مختلف، به ویژه مشهد مقدس که همجوار مقبره حکیم توس است، نیز می‌توانند با برپایی مسابقات و برنامه‌هایی و با حمایت از جوانان علاقه‌مندی که در این عرصه فعالیت می‌کنند، گام‌های مؤثری بردارند.
- نقش نظام آموزشی کشور در این باره چطور ارزیابی می‌کنید؟

نظام آموزشی کشور، به ویژه در دوران دبستان و دبیرستان، می‌تواند نقش مؤثرتری در معرفی فردوسی و شاهنامه به کودکان و جوانان این مرز و بوم ایفا کند. به‌شکلی که، بدون تبدیل شدن گانگناهای فارسی‌ مدارس کشور، باید به این مهم توجه داشته باشند که هم باید بر حجم مطالب برگرفته از شاهنامه برای کتاب‌های درسی بیفزایند، زیرا آنچه هست کفایت نمی‌کند و هم، در انتخاب ابیات، تنها به ابیاتی که در توصیف مبارزات و هنگامه‌هاست اکتفا نکنند. شاهنامه فقط گنج‌نامه نیست، جلوه‌گاه خصلت‌های نیک انسانی هم هست. مشوق رواداری و آشتی‌پذیری است و از مهرورزی و پاکی و راستی و دادگری هم سخن می‌گوید. بنابراین، با انتخاب ابیاتی از این بخش‌ها، حق این متن را بهتر ادا خواهند کرد و در شناساندن ذهن به فرزندان این آب و خاک، موفق‌تر خواهند بود.

همه جانبه جامعه ببینجامد. هنرمندان عرصه های سینما و نمایشنامه و تئاتر می توانند با بهره گیری از داستان های شاهنامه، آثار هنری کم نظیری خلق کنند. نظیر آنچه غربی ها با ساختن فیلم سینمایی حماسی «تروی» انجام دادند و به کمک آن، دنیا را با اساطیر یونان و روم عارفه مند کردند. به باور بنده، برخی داستان های شاهنامه مانند ستم و کسب دیار، بیزن و مینو، سودابه و سیاوش و... قابلیت های گسترده ای برای تهیه فیلم دارند. البته منوط به اینکه همه فیلم سازان دقیق و ظرافت زبانی و محتوایی موجود در این داستان ها را به خوبی دریابد و هم، حمایت های مالی لازم از فردوسی و فرهنگ ذی ربط انجام شود تا اثر درخور سوره مسمی و شاهنامه هم می تواند ایرانیان امروز را به کار آید. این کتاب، بزرگ ترین گنجینه واژگان زبان مادری ماست و علاوه بر اینکه می توانیم در ساختن ترکیبات تازه از آن استفاده کنیم، این قابلیت را نیز دارد که روز به روز بر گنجینه لغات ذهنمان غنی و خلاق شود. به روش راحت تر بگویم، سخن بگویم و خبری و فکر کنیم، کلمات، مهم ترین ابزار اندیشیدن هستند یعنی حتی زمانی که در خلوت خود فکر می کنیم، این کار را به مدد کلمات انجام می دهیم، بنابراین در دبیاهی است که از همه خزانه لغات ذهنمان غنی تر و پربارتر باشد. انسان های اندیشه مند و تفکوری را خواهیم بود.

- درباره نقش هویت ساز: شاهنامه هم توضیحاتی
بفرمایید.
- شاهنامه، کتابی اوج دهنده و تعالی بخش است و زمانی که آن را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که هفت اخترگاه نامیده‌ام در این آنات و لحظه‌هاست که غرق در شور و شغف و شادمانی می‌شویم و به هویت ایرانی خود می‌بایم. انس با این کتاب، ما را به خودمان بیشتر می‌شناساند. احساس همدلی و هم‌زبانی را در ما تقویت می‌کند و روح جمعی جامعه را قوام می‌بخشد. کسانی که شاهنامه می‌خوانند دیگر برایشان فرق نمی‌کند در کدام محدوده جغرافیایی این سرزمین زندگی می‌کنند؛ اینان تنها به گستره ایران فرهنگی دیرسلاهی می‌اندیشند که سپهر درخور توجهی در ارتقای مدنیت و فرهنگ جامعه هوشیار داشته است و هنوز هم می‌تواند داشت. شاهنامه مهم‌ترین پل ارتباطی فرهنگ ایران پیش و پس از اسلام است. به

فرهنگ ایران. در ماه‌های اخیر هم توفیق یافته‌ام که در مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی در مشهد، نشست‌های شاهنامه‌خوانی داشته باشم. از آنجاست، بسیار خوش‌حالی، همواره دوست داشته‌ام که شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌دانی فقط در دستر انداخته‌های ادبیات نباشد و به جمع صاحبان حقیقی‌اش که مردم کوچه و بازار باشند نیز راه یابد. شوق مندی مردم ما به آشنایی با شاهنامه فرهنگی‌اش، کم‌ظنری است و باید قدردان این نگاه فرهنگی‌اش، بشی.

- در سال‌هایی که آموزش من مذهبی
میزان استقبال چطور بوده؟ بیشتر شده یا
کمتر؟ بیشتر چه رده سنی و اجتماعی‌ای در
برنامه‌های شاهنامه‌خوانی تان حضور دارند
و از آن استقبال می‌کنند؟
- در این سال‌ها، اقبال مردم به حضور
در نشست‌های شاهنامه‌خوانی افزایش
معناداری داشته و مایه خرسندی است.
این شور و اشتیاق را در میان اقشار
مختلف جامعه و رده‌های سنی مختلف
می‌توان دید. نمونه را، در جلسات
شاهنامه‌خوانی خردسرای فردوسی،
مخاطبانی از هر دستان می‌توان دید
از دختران و پسران نوجوان و جوانی
که اغلب دانش آموز و دانشجو هستند
گرفته تا صاحبان مشاغل آزاد و معلمان
و بازنشستگان و غیره. شاهنامه متعلق
به قشر خاصی نیست و سن و سال
همی نمی‌شناسد. شاهنامه از آن تمامی
کسانی است که به ایران و فضاقت‌های
اخلاقی و انسانی، مهر می‌ورزند.

هنوز هم از شاهنامه برای انسان ایرانی امروز چیست؟

امروز هم از شاهنامه، این دایره المعرفه تاریخی و فرهنگی، بسیاری می‌توان آموخت. نمونه‌ای از آن، آموزه‌های اخلاقی شاهنامه نظیر تأکید بر وفاداری به پهل و بهد و پیمان، صلح جویی و آشتی‌پذیری، نجابت کلامی و زنجاری، آزادی، میهن‌دوستی و... که بارها به زیباترین شکل ممکن بیان شده است و کهنه‌شدنی نیست.

می‌تواند تقویت کننده بنیان‌های انسانیت و اخلاق در وجود مخاطبان این اثر باشد و در نهایت، به رشد

● از چه زمانی و چگونه با شاهنامه آشنا شدید؟
من از تبار دهاقین بهیچ هستم؛ دهقان زاده‌ای در
همان معنای قاموسی عصر فردوسی که پاسداشت
تاریخ و فرهنگ ایران را مایه خوش‌دلی خود
می‌دانسته‌اند. از این رو، آنهایی من با شاهنامه
به سال‌های کودکی‌ام برمی‌گردد که مادر بزرگ
مادری‌ام داستان رستم و سهراب را، به قول اخوان،
با صدایی ناثوان‌تر از نان که بیرون آید از سینه، برایم
روایت می‌کرد و بدین‌سان، بذر مهرورزی به یادگار
فردوسی را در مزرعه قلبم می‌پراکند. با توجه به اینکه
خردک صدایی مناسب شعر خوانی
داشتم، در دوران دانش‌آموزی هم، از
پندل توجه و تشویق معلمانم برخوردار
بودم و بسیار پیش می‌آمد که در
کلاس‌های درس فارسی من برای
بچه‌ها شاهنامه می‌خواندم. از زمانی
که به دانشگاه رفتم و خداوند، توفیق
حضور در کلاس‌های درس استاد فقیدم
دکتر بهمن سکرکاری را ارزانی فرمود،
این علاقه مندی به شاهکار فردوسی و
آشنایی آشنایانه‌تر با آن، در من
شورآفتاب گرفت و شوری در دلم افکند که
همچنان برجای است و برجای باد!

● چه شد که این رسالت را برای خود در
نظر گرفتید که شاهنامه را آموزش دهید و به
دیگران منتقل کنید؟

در قریب به ۶۶ سال پیش از این که مدرسه دانشگاه شدم، کمتر نیم سالی را به یاد دارم که چند واحد درسی شاهنامه را در تدریس نگذره باشم. همکاران عالی قدردم در گروه ادبیات، هم به حکم خراسانی بودند و هم به خاطر علاقه و افرم به فر فرهنگ ایران، همواره از سر لطف، تدریس شاهنامه را به بند و ناگذازم می کردند و می کنند. شاهنامه خوانی و آموزش آن را خارج از محیط دانشگاه هم، جزو برنامه های من بوده و هست. در سال های حضور دائمی ام در جیرفت و کرمان، از هر فرصتی برای برگزاری نشست های شاهنامه خوانی استفاده می کردم؛ نشست های برخی زیر نظر مسئولان فرهنگ آن شهرها تشکیل می شد و برخی دیگر به همت دوستداران شاهنامه

هویت ملی در ایران تاریخی و معاصر تبیین کند و در سطح بعد، تداوم این نقش را در متون حماسی فارسی (اعم از حماسه‌های ملی و تاریخی و دینی یا حماسه‌های عامیانه) و نسبت انواع هنرها (معمارا، موسیقی، نقاشی، خوشنویسی، هنرهای تجسمی، سینما، نمایش) را با این مفاهیم محل مذاقه پژوهشگران قرار دهد. به همین منظور، همایش یادشده طی فراخوانی از استادان و دانشجویان مقاطع تکمیلی و عموم صاحب‌نظران دعوت کرده است تا چه در محور و بهانه همایش و چه در دیگر مناظر مرتبط با شاهنامه و ادبیات حماسی و انواع هنرهای حماسی، همایش‌رایی را کنند. بنا به این گزارش، مقالات برگزیده، هم‌زمان با برگزاری همایش ملی «پژوهش‌های نقش شاهنامه فردوسی در هویت ملی» در مجامع و مقالات همایش به چاپ خواهد رسید. همچنین مجله‌ها برتر همایش که پس از اجرائی امتیازهای لازم را کسب کرده باشند، در مجلات علمی

فراخوان

همایش ملی «بازشناسی نقش شاهنامه فردوسی در هویت ملی» برای دریافت مقالات درباره فرهنگ و شاهنامه فراخوان داد. به گزارش شهروار، هنرمندان، بازرگداشت سالانه فردوسی و روز پاسداشت زبان فارسی، همایش ملی بزرگداشت فردوسی با عنوان «بازشناسی نقش شاهنامه فردوسی در هویت ملی» برپا خواهد شد. این همایش که بنیاد با حضور دانشمندان، شاهنامه‌پژوهان، دانشجویان، هنرمندان، دوستداران شاهنامه فردوسی، از اقصی نقاط ایران در دانشگاه فردوسی مشهد و آرامگاه فرهنگ‌زانه توس همراه باشد، به همت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در روزهای ۲۵ و ۲۶ دی‌ماه سال ۱۴۰۲ برگزار می‌شود. به گفته برگزارکنندگان، این همایش ملی بزرگداشت سیمه شاهنامه فردوسی را در تحکیم و تثبیت



فراخوان دریافت مقاله برای همایش ملی بزرگداشت فردوسی